


آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت متون درسی «دانش عرفان نظری» در حوزه علمی قم

یحیی نورمحمدی نجف‌آبادی / استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه ملایر

normohamadi126@gmail.com  orcid.org/0000-0002-4497-4769

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

چکیده

متون درسی از ارکان مهم آموزش در هر نظام آموزشی هستند که نقش قابل توجهی در فرایند تعلیم و تعلم دارند و همواره مورد اهتمام برنامه‌ریزان آموزشی بوده‌اند. بررسی وضعیت متون آموزشی و آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی در جهت اصلاح، تکمیل، روزآمد و کارآمد کردن آنها یکی از اقدامات لازم و متداول در نظام‌های آموزشی است. در بررسی و آسیب‌شناسی متون درسی «دانش عرفان نظری» در حوزه علمی قم، با روش «تحلیل مضمونی» داده‌های گردآمده از طریق مصاحبه و پژوهش کتابخانه‌ای، آسیب‌های متعددی را می‌توان یافت که به دو بخش آسیب‌های عمومی و اختصاصی قابل تفکیک‌اند. در بخش آسیب‌های اختصاصی، اشکالات متعددی به چشم می‌خورند؛ از جمله: دوگانه باطل عقل - قلب، فقدان ساختاری روشن و نظامی منسجم، نقصان برخی سرفصل‌ها، نبود طرح مسائل کلی و مقدماتی، بی‌توجهی به عرفان‌های نوپدید، بی‌توجهی به عرفان تطبیقی، کم‌توجهی به نقش عرفان در تمدن‌سازی نوین اسلامی، دشواری متون عرفانی، اختلاف محتوایی در بیان مباحث و برداشت‌های غلط از برخی مسائل. در بخش آسیب‌های عمومی نیز اشکالات و آسیب‌های فراوانی ناظر به اهداف آموزشی، روش آموزشی، محتوای آموزشی، شکل و ظاهر متن آموزشی، ساختار متن آموزشی و جنبه‌های روان‌شناختی قابل مشاهده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، متن درسی، عرفان نظری، حوزه علمی قم.

یکی از ارکان آموزش در نظام‌های تعلیمی که در ممانعت از هدررفت سرمایه و افزایش بهره‌وری آموزشی و دستیابی به اهداف شناختی و مهارتی و نیز فراهم‌آوری موجبات ایجاد شور و نشاط علمی در دانش‌پژوهان و فراگیران، نقش اساسی ایفا می‌کند محتوای آموزشی در قالب متون آموزشی و کتاب‌های درسی است. از این رو محتوا و متن آموزشی همواره بخش قابل توجهی از نظام آموزشی را شکل داده و توجه صاحب‌نظران و محققان نظام‌های آموزشی را به خود معطوف ساخته است (حسن‌مرادی، ۱۳۸۸، پیشگفتار).

یکی از وظایف مراکز و نهادهای علمی در قبال کتاب‌های درسی و متون آموزشی، بررسی وضعیت آنها و آسیب‌شناسی و اصلاح و روزآمد کردن آنهاست. نظام آموزش حوزه علمی قم نیز از این قاعده مستثنا نیست و دستیابی به اهداف و مقاصد بلند تعیین شده در آن، بدون در نظر گرفتن متون درسی مناسب و روزآمد با رعایت روش‌های کارآمد در تدوین و نگارش آنها امکان‌پذیر نیست. از این رو ضروری است تا متون درسی در نظام آموزشی حوزه علمی قم نیز از نظر ویژگی‌های ساختاری و میزان رعایت اصول علمی در طراحی و تدوین آنها از یک‌سو، و درک اثرات مستقیم و غیرمستقیم محتوا بر ابعاد متفاوت یادگیری شناختی، عاطفی و مهارتی فراگیران از سوی دیگر، به دقت سنجش گردند و با شاخص‌ها و معیارهای آموزشی، بررسی و آسیب‌شناسی و متناسب با شرایط و نیازهای جدید در هر عصر، بازنویسی شوند.

یکی از دانش‌هایی که در نظام آموزش حوزه علمی قم (اعم از نظام آموزش رسمی یا آزاد موجود در متن حوزه یا مراکز و مؤسسات آموزشی و پژوهشی وابسته و زیرمجموعه حوزه علمی قم) از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است، «دانش عرفان نظری» است که همانند سایر علوم حوزوی، متون آموزشی و کتاب‌های درسی آن همواره نیازمند بررسی، آسیب‌شناسی، اصلاح و تکمیل است.

در این مقاله به دنبال آن هستیم تا وضعیت متون درسی و کتاب‌های آموزشی «دانش عرفان نظری» در حوزه علمی قم را (اعم از کتاب‌هایی که در گذشته کتاب درسی به شمار می‌آمدند، یا کتاب‌هایی که در حال حاضر رواج دارند، و نیز اعم از کتاب‌هایی که از رواج گسترده‌ای برخوردار بوده‌اند یا به صورت فراگیر در متون درسی عرفان مورد توجه نبوده‌اند) بررسی و آسیب‌شناسی کنیم تا مقدمه‌ای برای اصلاح و تکمیل آنها فراهم گردد.

برای این منظور از دو روش گردآوری داده‌ها بهره گرفته‌ایم: ۱. روش «کتابخانه‌ای»؛ ۲. «مصاحبه» با گروهی از استادان. در تحلیل و تجزیه داده‌های مصاحبه‌ها از روش «تحلیل تفسیری» استفاده شده است. همچنین در تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از اسناد و مصاحبه‌ها نیز از روش «تحلیل‌های مضمونی» بهره گرفته برده‌ایم.

در ادامه، ابتدا گزارش و توصیفی از کتاب‌های درسی عرفان نظری (قدیم و جدید، رسمی و غیررسمی، شایع و غیرشایع) در حوزه علمی قم ارائه خواهیم داد، سپس شاخص‌ها و معیارهای عام متن درسی مطلوب را به اجمال بیان خواهیم کرد و در پایان، به آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی عرفان نظری خواهیم پرداخت.

۱. کتاب‌های درسی و متون آموزشی دانش عرفان نظری در حوزه علمیة قم

عرفان نظری ریشه در معرفت‌شهودی حق‌الیقینی عارفان و سالکان واصل دارد. عارف پس از کسب معرفت‌شهودی، در پی ترجمان و بیان معرفت‌شهودی، در قالب علم حصولی است که در بسیاری از موارد، این ترجمان با استفاده از روش و زبان عقلی و برهانی صورت پذیرفته است. حاصل این ترجمان «دانش عرفان نظری» است که مباحث و مسائل و مطالب آن به صورت نوشتاری و گفتاری در طول تاریخ وجود داشته است. امروزه تألیفات متعددی که عمدتاً متعلق به محیی‌الدین عربی و شاگردان و پیروان مکتب اوست، در حوزه دانش عرفان نظری در دسترس ما قرار دارد.

برخی از این آثار در طول دوران گذشته بار آموزشی این دانش را بر دوش داشته‌اند. اما آنچه امروزه و به تدریج استقرار یافته و در حوزه‌های علمیة قم و سایر مناطق نیز به‌مثابه متن آموزشی عرفان نظری به کار می‌رود، کتاب‌های *تمهید القواعد*، *مقدمه و شرح قیصری بر فصوص الحکم* و *مصباح الاتس* است. در دوره معاصر نیز کتاب *مبانی و اصول عرفان نظری* به این مجموعه اضافه گردیده و به‌مثابه نخستین اثر و متن تعلیمی برای آموزش عرفان نظری، به سرعت جایگاه ویژه خود را در رشته عرفان نظری در حوزه علمیة قم و مراکز آموزشی و پژوهشی آن به‌دست آورده است. در ادامه به معرفی این آثار می‌پردازیم:

۱-۱. «فصوص الحکم»

این کتاب توسط محمدبن احمد محیی‌الدین عربی (۵۶۰-۶۳۸ ق)، معروف به «ابن عربی» و «الشیخ الاکبر» که پدر عرفان نظری شناخته می‌شود، نگاشته شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۴۸۹). اگرچه کمتر از این کتاب به‌عنوان متن درسی استفاده می‌شده، اما به سبب اهمیت و جایگاهی که در میان آثار و تألیفات عرفان نظری دارد، همواره مدنظر تحصیل‌کنندگان این دانش بوده است.

«فُصُوص» جمع «فَص» به معنای «نگین» یا «چکیده و خلاصه» است. از این رو «فصوص الحکم» به معنای «نگین‌های حکمت» یا «چکیده و خلاصه حکمت‌ها» است. کتاب *فصوص الحکم* از نظر عمق و نظم و دقت، از کتاب *الفتوحات المکیه* که بزرگ‌ترین و مبسوط‌ترین کتاب ابن‌عربی است، بالاتر است.

بنابراین کتاب مزبور نزد اهل فن و طالبان مباحث عرفان نظری و تصوف از جایگاه ممتازی برخوردار است، به‌گونه‌ای که از محوری‌ترین کتاب‌ها در عرفان نظری به شمار می‌آید و از زمان تألیف تا کنون، به صورت مستقل یا همراه با یکی از شروح معتبرش همواره یکی از مهم‌ترین متون آموزشی در زمینه عرفان، مطمح‌نظر استادان و دانش‌پژوهان در حوزه‌های علمیة قم بوده است. این کتاب، علاوه بر عرفان و تصوف، بر حکمت، کلام و تفسیر نیز اثرگذار بوده و در ادبیات فارسی و به‌ویژه شعر فارسی تحولی شگرف ایجاد کرده است (همان).

در شیوه تبویب و تنظیم مباحث کتاب، از روش معمول که استفاده از عناوینی مانند جزء و باب و فصل است، پیروی نشده و مباحث کتاب در ۲۷ «فص» که هر فص به منزله یک فصل است، تبویب گردیده است. محیی‌الدین

هر فص را به نام یکی از انسان‌های کامل (۲۳ تن از انبیا علیهم‌السلام)، علاوه بر نام‌های شیت، عزیر، لقمان و خالد) قرار داده است (ر.ک: ابن عربی، ۱۳۸۵).

ابن عربی در هریک از این فصوص ۲۷ گانه، حقیقت یکی از این پیامبران علیهم‌السلام و انسان‌های کامل را از آن نظر که مظهر اسمی از اسماء حق است، بررسی کرده و یکی از اصول معارف اصیل و مهم‌ترین امهات عرفانی در اسرار انبیا و رسل و حقایق سه گانه وجودی (خدا، هستی و انسان) و ارتباط انسان با هستی و با خالق هستی را محور بحث قرار داده است. او در این کتاب، همانند سایر آثارش، واردات قلبی و مشاهدات حضوری خود را به قلم آورده و به هیچ وجه، در پی اثبات برهانی و استدلالی آنها نبوده است (همان).

برخی از شارحان آثار و تابعان افکارش بر این باورند که مرید باید این مطالب را به‌عنوان اصول موضوعه تلقی نماید تا در زمان مناسب، باب معرفت برایش گشوده شود. اما برخی نیز کوشیده‌اند تا هماهنگی عرفان و برهان در مکتب او را به اثبات رسانند، که توفیق یا عدم توفیقشان در این زمینه، نیازمند بحثی مستقل است.

کتاب **فصوص الحکم**، با وجود حجم اندکش، به سبب جایگاه ممتاز و اهمیتی که نزد بزرگان عرفان نظری داشته، مطمح نظر آنها قرار گرفته و بالغ بر ۱۱۰ شرح و حاشیه بر آن نوشته شده است. همچنین دارای ترجمه‌های متعددی به زبان فارسی است.

۲-۲. «مقدمه قیصری» (شرح فصوص الحکم قیصری)

یکی از مهم‌ترین شرح‌هایی که به صورت غیرمزجی و به روش «قال - اقول» بر کتاب نفیس **فصوص الحکم** نگاشته شده، شرحی است که توسط عارف بلندمرتبه، داودبن محمودبن رومی قیصری (یکی از شارحان برجسته مکتب عرفانی محیی‌الدین عربی و برجسته‌ترین شاگرد ابوالغنائیم عبدالرزاق کاشانی) نوشته شده است (باقریان موحد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹).

قیصری در مقدمه کتاب اذعان می‌دارد که عنوان و نام «مطلع خصوص الکلم فی معانی الحکم» را برای شرحش برگزیده است؛ نامی که به‌ظاهر برای کل کتاب (اعم از مقدمات دوازده گانه و شرح فصوص) است، نه صرفاً برای مقدمه آن. صرف نظر از متن اصلی، یعنی کتاب **فصوص الحکم**، خود شرح قیصری، اثری ارزشمند و نفیس در عرفان به شمار می‌رود.

شارح برای فهم بهتر مطالب کتاب **فصوص الحکم**، در مقدمه با قلمی شیوا و بیانی دقیق و شرحی روان، یک دوره فشرده از مباحث اساسی عرفان نظری و امور کلی و اصطلاحات را بیان کرده است. همچنین با حل مشکلات ادبی و نگارشی **فصوص الحکم** (مانند ارجاع ضمیر)، دشواری لفظی آن را کاسته است. اینها موجب شده است به‌عنوان متنی برای فهم و تدریس **فصوص الحکم** انتخاب شود. همین امر سبب امتیاز آن بر سایر شروح **فصوص الحکم** گردیده و آن را پیوسته جزو متون درسی و منابع آموزشی در رشته عرفان نظری گردانیده است (بدیعی، ۱۳۸۷). امروزه در حوزه علمیه قم نیز **مقدمه قیصری** یک متن آموزشی مدنظر بزرگان عرفان است و تحصیل آن را به طالبان عرفان نظری توصیه می‌کنند.

برخی از ویژگی‌های کتاب مزبور عبارتند از:

- روش قیصری در شرح مطالب کتاب *فصوص الحکم*، تبیین و شرح ساده مطالب کتاب است، نه نقض و ابرام دیدگاه‌های ابن‌عربی.

- از قلم روان و مطالبی ساده برخوردار است.

سرفصل‌ها و محورهای اصلی مطالب کتاب در دو بخش عبارتند از:

الف) مقدمه کتاب: مشتمل بر یک خطبه و دوازده فصل است. هریک از فصول یکی از مسائل مهم عرفان نظری را مورد بحث قرار داده است: ۱. فی الوجود و انه هو الحق؛ ۲. فی اسمائه و صفاته تعالی؛ ۳. فی الاعیان الثابتة و التنبیه علی بعض مظاهر الاسماء فی الخارج؛ ۴. فی الجوهر و العرض؛ ۵. فی بیان العوالم الکلیة و الحضرات الخمس الالهیه؛ ۶. فیما یتعلق بالعالم المثالی؛ ۷. فی مراتب الكشف و انواعها اجمالاً؛ ۸. فی أن العالم هو صورة الحقیقة الانسانیة بحسب مراتبها؛ ۹. فی بیان خلافة الحقیقة المحمدیة و الاقطاب؛ ۱۰. فی بیان الروح الاعظم و مراتبه و اسمائه فی العالم الانسانی؛ ۱۱. فی عود الروح و مظاهره العلویة و السفلیة الیه تعالی؛ ۱۲. فی النبوة و الرسالة و الولاية.

ب) بخش شرح کتاب *فصوص الحکم*: به پیروی از متن آن در ۲۷ فص تنظیم شده که هر فص به یکی از انبیا و انسان‌های کامل اختصاص یافته است (ر.ک: قیصری، ۱۳۷۵).

۳-۲. «مصباح الانس بین المعقول و المشهود»

کتاب *مصباح الانس* از تألیفات شمس‌الدین محمد بن حمزه رومی (۷۵۱-۸۳۴ ق، اهل روم و حنفی مذهب) معروف به «فناری»، «ابن فناری» و «علامه فناری» و به زبان عربی است. این کتاب مهم‌ترین شرحی است که به صورت مزجی بر کتاب *مفتاح الغیب* یا *مفتاح غیب الجمع و الوجود*، مهم‌ترین اثر صدرالدین محمد قونوی (از شاگردان نامدار محیی‌الدین عربی) نگاشته شده است (باقریان موحد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۴۱).

کتاب *مفتاح الغیب* متنی موجز و مختصر دارد. از این رو معمولاً با شرح آن، کتاب *مصباح الانس* تدریس می‌شود و هر دو کتاب، جزو منابع مهم عرفان نظری و از متون آموزشی در این رشته‌اند که از گذشته تا زمان حاضر، همواره در حوزه‌های علمیة شیعی به صورت غیررسمی تدریس می‌شوند.

فناری در کتاب *مصباح الانس* کوشیده است تا قواعد کشفی را به شیوه عقلی تبیین کند. ویژگی کتاب او تلاش‌های اوست برای اولاً، تأسیس و تنظیر و تطبیق مباحث با مباحث حکمی، چه مشائی و چه اشراقی. ثانیاً، تلاش برای ایضاح سخن قونوی با استفاده و ذکر دیگر آثار قونوی و جنیدی و فرغانی (شاگردان او) و یا محیی‌الدین؛ یعنی به‌عنوان تحلیلگر مسلط به آن متون، به شرح و تکمیل و حل مطالب مفتاح می‌پردازد (همان).

سرفصل‌ها و محورهای اصلی مطالب کتاب که به تفصیل از آنها بحث و بررسی شده، عبارتند از: توحید، ولایت، مقامات انسان و مراتب روحی او در دنیا و آخرت، علوم باطنی، رابطه بین عقل و شرع، اختلاف امت‌ها، معارف انبیا، روش‌های سیر و سلوک معنوی، راه‌های کشف حقایق عرفانی، هستی‌شناسی عرفانی، مراتب و حقیقت

وجود، حشر اجساد، تناسخ، اعیان ثابت، تجلیات حق تعالی، نسبت بین ذات و صفات خداوند، تشکیک معنوی وجود، علم به ذات و صفات خدا، کمال نفسانی، مقامات عرفا، مراتب عشق و محبت به خداوند و اولیای الهی، اصول مربوط به نفس انسانی و رحمانی، عوامل وجود و خصوصیات انسان کامل (ر.ک: فناری، ۱۳۷۴).

۲-۴. «تمهید القواعد» (التمهید فی شرح رساله قواعد التوحید)

کتاب *التمهید فی شرح رساله قواعد التوحید* که به *تمهید القواعد* معروف است، توسط *صائن الدین علی بن محمد* (دوره حیات در قرن هشتم و نهم) تألیف شده است. این کتاب شرحی است غیرمزمجی به طریق «قال - اقول» بر کتاب *ارزشمند قواعد التوحید*، اثر *صدرالدین ابوحامد محمد اصفهانی*، معروف به «ترکه» (*جد صائن الدین* و از حکمای بزرگ مشاء در دوران خویش که سرانجام به عرفان و تصوف روی آورد) (ابن ترکه، ۱۳۶۰، ص ۱۱).

تعیین نام «التمهید» بر این کتاب، به این سبب است که در آن قواعد، اصول و نکاتی از عرفان و حکمت بیان شده که فهم دقیق رساله عمیق *قواعد التوحید* را فراهم می‌سازد؛ به این صورت که جد او اصطلاحات خاص مشائی را با محتوای عرفانی بیان کرده و او با شرح عبارات جدش به استخراج آن محتوا از این الفاظ می‌پردازد.

این کتاب کلیاتی از عرفان را دربر دارد و نوع عبارت‌شمارح را وامی‌دارد که به تطبیق مباحث نیز پی‌ریزد (همان). کتاب *تمهید القواعد* یکی از منابع مهم در عرفان نظری است که به تبیین و اثبات مهم‌ترین مسئله در عرفان نظری، یعنی مسئله «توحید وجود» از طریق بیان مبانی عقلی و شهودی آن و نیز دفع شبهات و ایرادات پیرامونش پرداخته است. کتاب *تمهید القواعد* - درواقع - پلی است میان عرفان و فلسفه و به دنبال تقریر و تبیین مبانی عرفانی بر پایه مبانی فلسفی با شیوه استدلالی است. از این رو مطمح نظر طالبان رشته عرفان قرار داشته و در گذشته جزو کتب درسی عرفانی حوزه‌ها در قم، تهران و اصفهان بوده است و اکنون نیز برای طالبان مباحث عرفانی به صورت خصوصی و خارج از برنامه رسمی حوزه تدریس می‌شود.

برخی ویژگی‌های کتاب *تمهید القواعد* عبارتند از (همان):

- توجه به متن رساله *قواعد التوحید* و تکیه بر توضیح عبارات آن؛

- استفاده از روشی مناسب در دفع شبهات و اشکالاتی که بر مطالب بیان شده در متن رساله *قواعد التوحید* وجود داشته است؛ به این صورت که در هر مسئله، در صورتی که شبهات و ایراداتی وجود داشته، آن اشکالات را تا حد امکان، متقن و استوار و مستدل ساخته، سپس با روشن ساختن ضعف آنها، به نقد و پاسخ آنها پرداخته و راه هرگونه توجیه و مقابله را بر اشکال‌کننده بسته است.

- نقل قول بزرگان از اهل شهود و برهان در حکمت و عرفان، برای زمینه‌سازی فهم اهداف کتاب و پذیرش آنها از طرف مخاطبان (ابن ترکه، ۱۳۶۰، ص ۳۱)؛

- تلاش برای بررسی و اثبات مبانی و اصول عرفانی هر بحثی که در متن *قواعد التوحید* بیان گردیده است. همچنین در مواردی که مطلب بیان شده در متن نیازمند به استدلال بوده، شارح آن را بیان کرده و به اشکالات آن پاسخ گفته است (همان). این کار فهم بهتر مطالب و تأمین اهداف کتاب *قواعد التوحید* را فراهم ساخته است.

مهم‌ترین مباحث و سرفصل‌های کتاب عبارتند از (همان):

- اثبات «توحید وجود» و دفع شبهات از آن و بیان برخی از خصوصیات حقیقت وجود؛
- ظهور وحدت در کثرت و بیان پیدایش کثرات و تعینات، از تعیین اول تا آخرین مرتبه ظهور حقیقت وجود؛
- بیان ویژگی‌های انسان و اثبات صلاحیت او برای مظهریت تامه الهی و بیان مراتب نزولی و صعودی او؛
- راه وصول به معارف حقه و دفاع از حقانیت کشف و شهود و اثبات هماهنگی برهان و شهود و دفع اشکالات بر هریک از این دو روش.

مباحث دیگری نیز در کتاب آورده شده که یا از مبادی و مقدمات همین محورهای چهارگانه بالا هستند و یا از نتایج و پیامدهای آنها.

۲-۵. «مبانی و اصول عرفان نظری»

این کتاب حاصل یک دوره تدریس (نود جلسه درس) استاد سیدیدالله یزدان‌پناه است که در دوره‌های «تربیت محقق عرفان اسلامی» در «دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی»، وابسته به «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» برگزار شده است. این درس گفتارها ابتدا به صورت جزوه درسی در اختیار دانش‌پژوهان قرار می‌گرفت. معاونت پژوهشی «دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی» در پی درخواست‌های طلاب و دانشجویمان علاقه‌مند به عرفان پژوهشی، توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی اقدام به انتشار آنها کرده است (یزدان‌پناه، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

انگیزه مؤلف از نگارش کتاب، جبران نقصانی بوده که در متون درسی عرفان احساس می‌کرده است. در گذشته، دانش‌پژوهان مشتاق به فراگیری علوم عقلی، پس از گذراندن دروس معقول در *بلاية الحكمة* و *نهاية الحكمة* و *الاسفار الاربعه*، برای فراگیری دانش عرفان، با کتاب *تمهید القواعد* آغاز می‌کردند. این در حالی است که کتاب *تمهید القواعد* برای مبتدیان در تحصیل عرفان مناسب نبود و جای کتابی که به‌عنوان درآمد یا زمینه، مباحث عرفان نظری را به صورت جامع، نظام‌مند، متقن و ساده بیان کند، خالی بود (همان، ص ۲۰). کتاب *مبانی و اصول عرفان نظری* پاسخی است برای جبران این نقیصه در متون عرفان اسلامی.

این کتاب یک دوره کامل از مهم‌ترین «اصول عرفان نظری» با نظم منطقی و نگاه سازوار هستی‌شناختی و زبانی ساده و قلمی روان به شمار می‌آید و با استناد به کتب و منابع درجه اول عرفانی نگاشته شده است.

سرفصل‌ها و مطالب محوری کتاب عبارتند از: کلیاتی از تاریخچه و تحولات عرفان نظری و خاستگاه و ادوار گوناگون عرفان؛ چیستی عرفان نظری و نسبت آن با شریعت و عقل؛ اصلی‌ترین مبانی عرفان نظری و دیدگاه‌های حکما و عرفای مشهور درباره آنها در مباحثی مانند: «وحدت وجود» و تحلیل فلسفی و عرفانی آن، مفهوم «توحید» در عرفان، مقام ذات و مراتب تجلی خداوند متعال، اسما و صفات الهی و براهین مبتنی بر آن، انسان کامل و ویژگی‌های او، نسبت بین انسان کامل با عالم هستی، رابطه انسان کامل با نبوت و امامت و ولایت، توصیف عوالم ملکی و ملکوتی و بیان دیدگاه‌های عرفای بزرگی، مانند *محيي الدين ابن عربي*، *صائن الدين ابن ترکه*، *ملاصدرا*، *سیدحیدر آملی*، *محمدبن حمزه فناری*، *صدرالدین قونوی* و *داودبن محمود قیصری* درباره این مسائل عرفانی (همان).

۳. آسیب‌شناسی متون و کتاب‌های درسی «دانش عرفان نظری» در حوزه علمیه قم

گام نخست در اقدام به اصلاح، تکمیل یا جایگزینی کتاب‌های درسی «دانش عرفان نظری» در حوزه علمیه قم، آسیب‌شناسی و کشف نقاط ضعف و اشکالات آنهاست. بخش قابل توجهی از اشکالات آموزش دانش عرفان در حوزه علمیه قم به متون درسی و کتاب‌های آموزشی آن اختصاص دارد؛ زیرا غالب متونی که در حال تدریس در حوزه علمیه قم هستند، در واقع متن درسی نیستند (معلمی، ۱۳۹۹).

زمانی طولانی از عمر کتاب‌های درسی کنونی و رایج حوزه می‌گذرد، اما به صورت جدی هیچ‌گونه تغییری، اصلاح، تحول یا جایگزینی در آنها پدید نیامده است (فیاضی، ۱۳۹۹؛ امینی‌نژاد، ۱۳۹۹). باید توجه داشت که در تدوین یا تعیین کتاب درسی، صرفاً نباید بر عمیق بودن آن تکیه کرد، بلکه شرایط و ویژگی‌های کتابی که به‌عنوان متن درسی تدوین می‌گردد، با سایر کتاب‌های علمی، تحقیقی، ترویجی و مروری یا عمومی که برای تبیین موضوع یا نظریه‌ای علمی نوشته می‌شوند یا مسئله‌ای عمومی و غیرعلمی را بازگو می‌کنند، تفاوت‌های بسیاری دارد.

کتاب درسی کارآمد و اثربخش می‌تواند اهداف نویسنده را تأمین و پیام‌های او را منتقل گرداند و با انعکاس بازتابی مثبت بر مخاطبان، تحول مناسبی در دیدگاه‌ها و نظرات آنها ایجاد کند تا براساس معیارها و شاخص‌های علمی و اثبات شده، ویژگی‌های یک کتاب و متن درسی خوب را تا حد قابل قبولی داشته باشد. از این رو پژوهشگران بسیاری به کاوش و بررسی ویژگی‌ها و مشخصات یک کتاب درسی خوب و متن آموزشی مناسب پرداخته‌اند.

به نظر می‌رسد بتوان مجموع آنچه را از اقسام معیارها و شاخص‌ها درباره کتاب درسی مطلوب گفته شده در ساختاری جدید و قالبی نو، با تقسیم‌بندی جامع و کامل که شامل بخش عمده‌ای از ویژگی‌های یک کتاب درسی باشد، در شش قسم گردآوری و ارائه کرد:

۱. شاخص‌های مربوط به اهداف (رعایت تعادل در تأمین اهداف، هماهنگی اهداف متن درسی با هویت دینی و ملی خوانندگان، هماهنگی اهداف متن درسی با اهداف بالادستی در نظام آموزشی، تناسب اهداف متن درسی با نیازهای محیط اجتماعی)؛

۲. شاخص‌های مربوط به روش:

الف. استفاده از روش فعال؛

ب. تبیین محل نزاع، مسئله‌شناسی، سؤالاتی که قرار است در هریک از قسمت‌های متن به آنها پاسخ داده شود، و آثاری که بحث فلسفی مدنظر در بحث‌های دیگر دارد.

ج. سیر حرکت در تبیین یک مسئله فلسفی، از آسان به سخت.

۳. شاخص‌های مربوط به محتوا (قابل اعتماد بودن، تخصصی بودن، جامعیت نسبی، روزآمدی، بهره‌مندی از یافته‌های علمی پیشین، صلاحیت پدیدآورندگان، انسجام)؛

۴. شاخص‌های مربوط به شکل ظاهری (روان و بی‌پیرایه بودن نثر، یکدست بودن واژگان و اصطلاحات،

آراسته و جذاب بودن ظاهر)؛

۵. شاخص‌های مربوط به ساختار (چیدمان گفتارها؛ بایسته‌های بخش ورودی شامل: مقدمه، معرفی موضوع، تعیین اهداف آموزشی، انتظارات یادگیری؛ بایسته‌های بخش پایانی شامل: فهرست‌ها، چکیده، سؤالات پایانی، پیشنهادها و نکات اضافی، معرفی منابع بیشتر برای مطالعه، بحث و تحقیق پایانی)؛

۶. شاخص‌های روان‌شناختی (پرهیز از عوامل تنش‌زا، پرورش تفکر خلاق، تقویت روحیه علمی، تقویت روحیه مسئله‌یابی، تقویت اعتماد به نفس خواننده، تقویت عوامل برانگیزاننده توجه) (کارآمد، ۱۳۹۰؛ حسن‌مرادی، ۱۳۸۸؛ لپیونکا، ۱۳۸۵؛ معلمی، ۱۳۹۹؛ جزایری، ۱۳۹۶).

در ادامه، با تکیه بر شاخص‌ها و ویژگی‌های مزبور، به آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی رایج دانش عرفان نظری در حوزه علمیة قم خواهیم پرداخت. برخی از این آسیب‌ها به کتاب‌های درسی دانش عرفان اختصاص ندارند، بلکه از آسیب‌های مشترک غالب کتاب‌های درسی حوزوی، به‌ویژه کتب درسی علوم عقلی هستند؛ اما برخی نیز به دانش عرفان نظری اختصاص دارند که به صورت جداگانه بیان خواهیم کرد:

۱-۳. آسیب‌های اختصاصی کتاب‌های درسی «دانش عرفان نظری» در حوزه علمیة قم

۱-۱-۳. کاستی در ارائه ساختار روشن و نظام‌منسجم

از زمان محیی‌الدین (پدر عرفان نظری) تا به امروز، مباحث و مسائل عرفان نظری از حجم و گستردگی قابل‌توجهی برخوردار گردیده و اصول بسیاری در آن مطرح و فروعات فراوانی به آن افزوده شده است. ارائه نظام‌مند، منسجم و ساختاروار این حجم از مباحث و مسائل، کمک شایانی در تسهیل فرایند یادگیری و آموزش عرفان نظری خواهد داشت. نظم و ترتیب منطقی حاکم بر کتاب درسی، ذهن و فهم خواننده را منسجم می‌کند و با شکل‌دهی ساختار مناسب از مباحث در ذهن یادگیرنده، جایگاه هر بحث را در ذهن او روشن می‌گرداند و ردیابی مباحث را برای او آسان می‌کند. با این وجود، غالب متون آموزشی عرفان نظری در حوزه علمیة قم، به‌ویژه متون و آثار اصلی و قدیمی، فاقد ساختاری روشن و منطقی و پیکره‌منظم و منسجم در ارائه مباحث و مسائل عرفان نظری هستند و این به صعوبت فهم و یادگیری آنها انجامیده است.

۲-۱-۳. نقصان و کاستی از ناحیه برخی سرفصل‌ها

برخی سرفصل‌های مهم و پرکاربرد در برخی آثار و کتاب‌های درسی عرفان نظری به صورت منسجم و جامع و کامل یافت نمی‌شود؛ مثلاً بحث «معرفة النفس» عرفانی با همه اهمیت و نقشی که در عرفان دارد، در آثار درجه اول عرفان نظری به صورت منسجم بیان نشده است (امینی‌نژاد، ۱۳۹۱).

۳-۱-۳. عدم طرح مسائل کلی و مقدماتی

آشنایی دانش‌پژوهان در هر دانشی با مجموعه‌ای از مسائل کلی و مقدماتی درباره آن دانش، از قبیل تعریف و چستی آن دانش، موضوع، مسائل اصلی، اهداف، تاریخچه، شخصیت‌های اثرگذار بر آن دانش، و مهم‌ترین تألیفات و آثار در آن دانش، علاوه بر بالا بردن آگاهی خوانندگان از جغرافیا و جایگاه آن دانش در میان مجموع علوم، سبب

افزایش سرعت یادگیری دانش پژوهان و بیشتر شدن دقت و عمق فهم آنها از مسائل آن دانش نیز می‌شود، در حالی که غیر از کتاب **مبانی و اصول عرفان نظری**، سایر کتاب‌های درسی و آموزشی عرفان نظری، به‌ویژه کتاب‌های اصلی و قدیمی، فاقد طرح مباحث مقدماتی هستند.

۴-۱-۳. بی‌توجهی به عرفان‌های نوپدید

یکی از جریاناتی که در پوشش معنویت‌گرایی در چند دهه گذشته در دنیا و کشور ما ظهور داشته و آثار فکری، فرهنگی، رفتاری و اعتقادی بر افراد بسیاری در سطح جامعه داشته، جریانی است که با عناوین گوناگونی (مانند: عرفان‌های کاذب، عرفان‌های بدلی، ادیان جایگزین، معنویت‌های نوظهور، عرفان‌های سکولار، نوپدید، چندضلعی، بدون خدا، عرفان‌واره‌ها) شناخته می‌شود. تعدد و تنوع این جریان‌ها بسیار چشمگیر و خیره‌کننده است و هریک از شکل‌های این جریان حول یک شخصیت کاریزمایی (مانند: اشو، سای بابا، اکتکار، کاستاندا، پائولو کوئیلو)، مجموعه‌ای از فنون و دستورهای کاربردی را به مخاطبان و پیروان خود ارائه می‌کنند تا آنها را از ناهنجاری‌ها و امراضی مانند تنهایی، اضطراب، افسردگی و امور جنسی رهایی بخشند و آرامش و کامیابی را برای آنها به ارمغان آورند.

یکی از مشخصه‌های اصلی این جریان بدلی، حذف یا تحقیر تعالیم اصلی ادیان بزرگ (از قبیل ایمان به خدا و معاد و انجام نماز و روزه و حج) است و به جای این امور، خرافه‌هایی مانند ایمان به خود، اعتقاد به تناسخ، مراقبه‌های بی‌روح، عشق‌های زمینی و توصیه‌های لذت‌گرایانه به پیروان خود عرضه می‌کنند. بدین‌روی معنویتی که در پی آن هستند و به دیگران القا می‌کنند، معنویتی کاملاً دنیاگرایانه (سکولاریستی) و انسان‌گرایانه (اومانیستی) و منهای خدا، معاد و شریعت است. امروزه این نوع معنویت‌های بدلی در عرصه‌های گوناگونی مانند: سینما، هنر، معماری، ادبیات، طبیعت، صنعت، روان‌شناسی، فراروان‌شناختی، روان‌درمانی، و فرقه‌سازی در ادیان جایی برای خود باز کرده و فعالیت دارند (گریوانی، ۱۳۹۲).

در مقام مقابله با این جریان بدلی و دروغین که تبعات زیانباری برای جامعه دینی و معنویت‌خواه می‌تواند داشته باشد، نقش حوزه‌های علمیه و حوزویان آگاه و بصیر، نقشی برجسته و بی‌بدیل است. از این‌رو با بهره‌گیری از معارف ناب اسلامی و معنویت اصیل عرضه شده در عرفان حقیقی اسلامی، باید با این جریان انحرافی به مبارزه برخاست. اما یکی از شروط لازم در هر مبارزه‌ای، داشتن شناخت درست و کافی از طرف مقابل است، در حالی که در حوزه علمیه قم و کتاب‌های آموزشی عرفانی و متون درسی آن، جایی برای معرفی عرفان‌های نوپدید باز نشده و به این معضل توجه لازم و کافی نگردیده است.

۵-۱-۳. بی‌توجهی به عرفان تطبیقی

یکی از مقولات جدید در دانش عرفان که در متون درسی عرفانی حوزه به آن بی‌توجهی شده، «عرفان تطبیقی» است. امروزه سنت‌ها و نظام‌های عرفانی متعددی در دنیا وجود دارند؛ مانند سنت‌های عرفانی اسلام، مسیحیت، یهودیت، بودا، آیین هندو و آیین‌های چینی. در عرفان تطبیقی با روش «توصیف» یا بیان وجوه تشابه و تمایز یا

نقد، سنت‌ها و مکاتب و موضوعات عرفانی با یکدیگر مقایسه می‌شوند، به این صورت که گاهی یک موضوع عرفانی (مانند زهد) در دو مکتب عرفانی (مثلاً اسلام و مسیحیت) یا از نگاه دو شخصیت عرفانی مقایسه می‌گردد. همچنین ممکن است دو نظام و مکتب عرفانی، مانند آیین هندو و اسلام با یکدیگر مقایسه شوند. گاهی نیز دو شخصیت عرفانی مقایسه می‌گردند؛ مثلاً *جلال‌الدین مولوی* و *شانکارا*. همچنین می‌توان میان ابعاد و اجزای دو یا چند نظام و مکتب عرفانی مقایسه کرد؛ مانند بررسی روش‌های سلوک یا ریاضت در عرفان یهودیت و اسلام. مطالعه تطبیقی عرفان و مقایسه موضوعات، سنت‌ها یا شخصیت‌های عرفانی مختلف، فواید و آثار خوب و دستاوردهای مفیدی برای طالبان و فراگیران عرفان می‌تواند به همراه داشته باشد؛ مانند آشنایی با وجوه تمایز و تشابه یا نقاط ضعف و قوت تعالیم سنت‌های عرفانی؛ شناخت مکاتب عرفانی مختلف؛ شناخت عمیق‌تر سنت عرفانی خودی از طریق مطالعه سنت‌های عرفانی دیگر؛ و شناخت ادیان از طریق شناخت سنت‌های عرفانی آنها (فنائی اشکوری، ۱۳۹۷).

۶-۱-۳. کم‌توجهی به نقش عرفان در تمدن‌سازی نوین اسلامی

یکی از موضوعات روز که مقام معظم رهبری بر آن بسیار تأکید دارند، احیای تمدن اسلامی در قالبی نوین است. حوزه علمیه و علوم حوزوی نقشی اساسی در تحقق این موضوع بر عهده دارند. بدین‌روى هریک از علوم حوزوی باید در این میان، جایگاه خود را به خوبی بیابد و به درستی ایفای نقش کند. عرفان اسلامی نیز به‌مثابه یکی از دانش‌های حوزوی، در تحقق احیای تمدن نوین اسلامی جایگاهی دارد که باید بازشناخته شود و به خوبی ایفای نقش کند (امینی‌نژاد، ۱۳۹۹).

مقولاتی مانند معنویت و نیل به مقامات عرفانی، عبودیت و بندگی خدا، محبت به بندگان و عشق به خدمت به آفریدگان خداوند متعال، توجه به مکارم اخلاق و ملکات نفسانی شایسته، مبارزه با تبلی و لذت‌جویی و غفلت و اموری از این دست که از مقومات و دستاوردهای عرفان اسلامی به‌شمار می‌آیند، تأثیر قابل‌توجهی در شکل‌گیری سبک درست زندگی و تحقق تمدن نوین اسلامی دارند. اما متأسفانه در متون درسی و کتاب‌های آموزشی عرفانی در حوزه علمیه قم از این موضوعات غفلت گردیده و به اهمیت نقش عرفان اسلامی در تحقق تمدن اسلامی کم‌توجهی شده است، اگر نگوئیم اساساً توجه نشده است.

۷-۱-۳. دشواری و صعوبت متون عرفانی

متون درسی و کتاب‌های آموزشی و غیرآموزشی عرفان اسلامی غالباً پیچیده و سنگین، و فهم آنها دشوار است، به‌گونه‌ای که فراگیری آنها نیازمند فراهم آوردن مقدمات بسیاری است. بخشی از این صعوبت ذاتی محتوای ارائه‌شده در دانش عرفان است - که چاره‌ای از آن نیست - اما بخشی نیز به نوع نگارش این متون بازمی‌گردد. زبان و ادبیات نوشتاری بسیاری از این آثار، زبان رمزی و اشاره‌ای است که خود بر پیچیدگی محتوا و صعوبت فهم آن

می‌افزاید. این در حالی است که شرط ضروری یک کتاب آموزشی بی‌پیرایگی، سادگی و روانی متن و سهولت فهم مطالب آن در عباراتی شیوا و رساست.

۸-۱-۳. برداشت‌های غلط از برخی مسائل

یکی از اشکالات برخی متون درسی و کتاب‌های آموزشی عرفانی، برداشت‌ها و تفسیرهای غلط نویسندگان و مؤلفان آنها از برخی مسائل عرفان نظری است. این موضوع سبب واکنش‌ها و موضع‌گیری‌هایی از ناحیه مخالفان عرفان، و زمینه‌ساز هجمه و مخالفت با آن گردیده است؛ مثلاً در مسئله «ختم ولایت»، جناب قیصری در شرح کتاب *فصوص الحکم/ابن عربی*، برداشت و تفسیر اشتباهی از کلام و نظر محیی‌الدین ارائه کرده که پیامدهای گسترده‌ای در میان عارفان شیعی، مثل سیدحیدر آملی داشته و موضع‌گیری‌های شدید علیه ابن عربی و نقد و مخالفت با او را در میان علما به همراه داشته است.

قیصری از کلام *ابن عربی* در مسئله «ختم ولایت» چنین برداشت کرده که او حضرت عیسی علیه السلام را خاتم ولایت مطلقه و خودش (یعنی *ابن عربی*) را خاتم ولایت محمدیه صلی الله علیه و آله می‌داند و قایل به خاتمیت حضرت حجت علیه السلام در ولایت محمدیه صلی الله علیه و آله نیست (قیصری، ۱۳۷۵، ص ۲۲)، درحالی که این برداشت غلط است و محیی‌الدین هم چنین نظری ندارد. او خود را خاتم جزئی ولایت محمدی صلی الله علیه و آله می‌داند، اما خاتمیت ولایت کلی محمدیه صلی الله علیه و آله را مختص ائمه اطهار علیهم السلام، به‌ویژه حضرت مهدی علیه السلام می‌شمارد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۱، به نقل از: ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲-۴۹؛ ج ۳، ص ۳۲۸؛ همو، ۲۰۰۱، ص ۷۲).

۲-۳. آسیب‌های مشترک و عمومی کتاب‌های درسی «دانش عرفان نظری» در حوزه علمیة قم

شاخص‌ها و معیارهای کتاب درسی مطلوب را در شش قسم تقسیم کردیم. در اینجا اشکالات کلی و مشترک کتاب‌های درسی عرفان نظری در حوزه علمیة قم را نیز در همین شش قسم بررسی و ارزیابی می‌کنیم. باید توجه داشت که این اشکالات به بیشتر کتاب‌های درسی اختصاص دارند، نه همه آنها. از این‌رو ممکن است برخی از اشکالات و آسیب‌ها در بعضی از کتاب‌های درسی یافت نشوند. همچنین غالب این اشکالات، به متون درسی دانش عرفان در حوزه اختصاص ندارند، بلکه سایر متون درسی نیز در این آسیب‌ها با متون عرفان مشترکند.

۱-۲-۳. آسیب‌های ناظر به اهداف آموزشی

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه از تألیف بسیاری از کتاب‌های درسی عرفان نظری در حوزه علمیة قم، سال‌ها و در بعضاً قرن‌ها می‌گذرد، اهدافی که برای نگارش آنها مدنظر نویسندگان آنها بوده است، متناسب با نیازهای محیط اجتماعی امروز فراگیران علوم عقلی در حوزه نیست. طلابی که در حوزه مشغول فراگیری علوم حوزوی هستند، باید بتوانند پس از اتمام تحصیل، پاسخگوی نیازهای جامعه در ابعاد گوناگون باشند. اما اهداف تعیین شده در متون درسی رایج عرفان در حوزه علمیة قم، تا چه میزان ناظر به نیازهای روز جامعه مخاطب طلاب هستند؟ در بسیاری

از این کتاب‌ها، چنین اهدافی لحاظ نگردیده؛ زیرا اساساً در چنین شرایطی و برای چنین ایامی و در جهت رفع چنین نیازهایی از جامعه، نگارش نیافته‌اند.

علاوه بر این، امروزه شورای عالی سیاست‌گذاری و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در بخش‌های گوناگون تبلیغی، فرهنگی، علمی، اجتماعی و سیاسی، سیاست‌ها و اهداف کلانی را برای حوزه‌های علمیه و نظام آموزشی آن تدوین کرده است که در حکم اسناد با اهداف بالادستی برای رشته‌های گوناگون علوم حوزوی به‌شمار می‌آیند. اهدافی که در کتاب‌های درسی رایج عرفان نظری در حوزه علمیه قم دنبال می‌شوند، تا چه حد با آن اهداف بالادستی تعیین شده، هماهنگ و منطبق‌اند؟ به نظر می‌رسد هماهنگی و انطباق لازم وجود ندارد، درحالی‌که از شرایط بایسته در اهداف یک کتاب درسی مطلوب، هماهنگی و انطباق آن با اهداف اسناد بالادستی است.

۲-۳. آسیب‌های ناظر به روش آموزشی

روش متداول و غالب در کتاب‌ها و متون درسی عرفان نظری، قدیمی، انفعالی و عمدتاً کتاب‌محور است، نه فعال و دانش‌پژوه‌محور. نویسنده کتاب به آراء و نظریاتی دست یافته و آنها را به همراه فهرستی از آراء و نظریات دیگر اندیشمندان، در کتاب خود ارائه کرده است. خواننده نیز باید این آراء و نظریات را با ادله آنها بخواند و یاد بگیرد. در غالب این کتاب‌ها از روش فعال که خواننده را به گفت‌وگو، فعالیت گروهی و کار وادارد و بخش قابل توجهی از فهم مطالب و دسترسی به محتوا را بر عهده تحقیق و فعالیت فکری خود فراگیر بگذارد، خبری نیست.

ایجاد انگیزه در مخاطبان برای مشارکت در یادگیری با طرح سؤالات تحلیلی و بحث‌برانگیز، و تمرین‌های مؤثر از نکاتی است که جای آنها در کتاب‌های متداول و رایج عرفان نظری در حوزه، خالی است.

آسیب دیگر در بعد روش ارائه مطالب، عدم رعایت سیر مناسب حرکت در تبیین و تقریر مسائل عقلی است. در بسیاری از متون درسی عرفان نظری، به جای اینکه سیر حرکت از آسان به سخت باشد و در یک حرکت مطلوب، ابتدا سؤالی درباره مسئله‌ای مطرح شود و سپس با مثال‌های روشن و آسان، بحث درباره مسئله آغاز گردد و آهسته آهسته خواننده به سمت مطالب عمیق‌تر و سخت‌تر هدایت می‌شود، مطالب از ابتدا به صورت پیچیده و سخت مطرح می‌گردند (معلمی، ۱۳۹۹).

۳-۲-۳. آسیب‌های ناظر به محتوای آموزشی

فلسفه وجودی حوزه‌های علمیه و تأسیس آنها استخراج معارف دینی براساس نیازهای روز جامعه اسلامی و پاسخ‌گویی به سؤالات جدید به مردم بوده است. با وجود این، یکی از اشکالات مهم کتاب‌های درسی رایج عرفان نظری در حوزه علمیه قم، به‌روز نبودن و عدم تناسب محتوای آنها با نیازهای روز و سؤالات جدید است؛ زیرا نگارش بیشتر این کتاب‌ها به بازه زمانی گذشته بازمی‌گردد. این امر علاوه بر اینکه از جامعیت نسبی آنها می‌کاهد، آسیب جدی به اعتماد خواننده نسبت به آنها وارد می‌سازد و جذابیت آنها را در نظر دانش‌پژوهان می‌کاهد.

دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر دنیا هرچند سال یک بار، تمام روش‌ها و محتوا و مضامین کتاب‌های آموزشی خود را مطابق نیازهای جدید، به روز می‌کنند (ذاکری، ۱۳۷۲). حال چگونه با کتاب درسی که محتوای آن متعلق به چند قرن پیش است، می‌توان پاسخگویی نیازهای روز جامعه بود؟

استفاده از واژگان و اصطلاحات مبهم و نامأنوس پیش از تعریف و روشن‌سازی معنای آنها یا عدم تفکیک مناسب معانی آنها نیز از اشکالاتی است که سبب شده تا دانش‌پژوه را به جای اشتغال به فهم محتوای درس، مشغول به فهم معنای اصطلاحات و واژگان کند.

البته باید توجه داشت که نقد محتوای کتاب‌های درسی رایج ناظر به تمامیت مطالب و محتوای آنها نیست، بلکه منظور این است که محتوای کتاب‌های قدیمی، پالایش گردد و با حفظ مباحث اساسی و اصالت‌های اسلامی و بهره بردن از دستاوردها و مطالب مفید آنها، این کتاب‌ها روزآمد گردند و متناسب با نیازهای روز جامعه و لحاظ یافته‌های جدید اندیشمندان، محتوای آنها اصلاح و بازنویسی شود. در این صورت می‌توان با تکیه بر سرمایه‌ها و میراث علمی بر جای مانده از پیشینیان، با پیشرفت‌های جهانی همگام شد و دانش‌پژوهانی کارآمد، مفید و اثرگذار در جامعه تربیت کرد.

۴-۲-۳. آسیب‌های ناظر به شکل و ظاهر متن آموزشی

زبان نوشتاری کتاب درسی مطلوب باید روان و بی‌پیرایه و خالی از پیچیدگی باشد و مطالب را بدون ابهام و ابهام، به صورتی روشن برای مخاطب بیان کند. اما در برخی کتاب‌های قدیمی و سنتی عرفان نظری، گویا رمزی‌نویسی یک امتیاز به‌شمار می‌آمده و نویسندگان در تلاش بوده‌اند تا مطالب مهم و عمیق عقلی را با زبان رمزی در کوتاه‌ترین عبارات به خوانندگان ارائه کنند. بدین‌رویی از تفسیر شایسته مطالب و تطویل بایسته مباحث اجتناب می‌کرده‌اند. چنین روشی مناسب کتاب درسی نیست.

۴-۲-۵. آسیب‌های ناظر به ساختار متن آموزشی

صرف‌نظر از یکدست نبودن و گوناگونی تبویب کتاب‌های عرفان نظری و عدم تنظیم منطقی و نظام‌مند مباحث و مطالب آنها، غالب کتاب‌های درسی رایج، فاقد مقدمه مناسبی هستند که به معرفی کتاب و اهداف یادگیری، گزارش اجمالی محتوا، بیان ساختار کلی کتاب، و توضیح نکات لازم برای استادان و خوانندگان بپردازند. بایسته‌های ورودی هر فصل نیز در بیشتر متون درسی رعایت نشده است؛ مثلاً معرفی موضوع و اهداف هر درس و فصل، و بیان انتظارات یادگیری در بیشتر کتاب‌های آموزشی یافت نمی‌شوند.

بایسته‌های پایانی کتاب درسی مطلوب نیز در غالب متون آموزشی رعایت نشده است. بیشتر این کتاب‌ها فاقد چکیده و خلاصه پایان فصل، سؤالات پایانی، پیشنهادها و نکات اضافی، معرفی منابع بیشتر برای مطالعه و تحقیق، بحث و تحقیق پایانی هستند.

۶-۲-۵. آسیب‌های ناظر به جنبه‌های روان‌شناختی

بیشتر کتاب‌های درسی رایج عرفان نظری در حوزه علمیه، برای گروه سنی خاص با شرایط روحی و روانی معین و قدرت ذهنی و توان فهم مشخص نگاشته نشده، بلکه نویسنده به دنبال ارائه نظرات و دیدگاه‌های خویش به صاحب‌نظران و محققان در آن دانش بوده است. در نتیجه در نگارش آنها، میزان فهم خوانندگان در سطوح گوناگون سنی مدنظر قرار نداشته است (ذاکری، ۱۳۷۲؛ ابوالقاسم‌زاده، ۱۳۹۹). در نتیجه برخی مطالب آنها قابل فهم همه مخاطبان نیست.

همچنین به‌روز نبودن محتوای کتاب‌های درسی، رعایت نکردن سیر منطقی مباحث و نامناسب بودن ساختار کتاب درسی، و بی‌توجهی به برخی از ویژگی‌های ظاهری در کتاب‌های سنتی عرفان، سبب آشفتگی و ناآرامی روانی و به‌هم‌ریختگی ذهنی مخاطبان می‌شوند و بر فرایند انتقال محتوا، آسیب جدی وارد می‌کنند.

کم‌توجهی به پرورش تفکر خلاق نیز یکی دیگر از اشکالات کتاب‌های درسی علوم عقلی حوزه است. متأسفانه در بیشتر این کتاب‌ها از عواملی، مانند طرح سوالات تفکربرانگیز، پیشنهاد فعالیت‌های فراتر از محتوای درس، و طرح موضوعات بحث‌برانگیز که حل آنها مستلزم به‌کارگیری مهارت‌های جمع‌آوری و پردازش اطلاعات است، خبری نیست. وجود چنین عواملی در کتاب‌های درسی عرفان نظری به تقویت و پرورش تفکر نقاد و خلاق در دانش‌پژوه می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، به خوبی روشن گردید که آسیب‌های متعددی در متون درسی و کتاب‌های آموزشی دانش عرفان نظری در حوزه علمیه قم (برخی از ناحیه نقیصه و برخی نیز آسیب‌های مربوط به وضع موجود) وجود دارند که سبب پدید آمدن اشکالات اساسی در فرایند آموزش عرفان نظری در حوزه گردیده‌اند. این موضوع، مسئله بازنگری و اصلاح متون درسی عرفان در حوزه علمیه قم را ضروری می‌نماید.

پیشنهاد می‌شود برای تدوین متون جدید یا بازنگری در متون درسی عرفان نظری، کارگروهی از کارشناسان عرفان شکل گیرد که همواره بر کتاب‌های درسی عرفان در حوزه نظارت داشته باشند و از طریق ارتباط و تعامل با استادان و خبرگان در این دانش، نظرات ایشان کسب شود تا در پی به‌روزرسانی و اصلاح و تکمیل و یا تدوین متون درسی فلسفی در حوزه علمیه قم باشند.

منابع

- ابن ترکه اصفهانی، صائن‌الدین، ۱۳۶۰، *تمهید القواعد*، تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- ابن عربی، محیی‌الدین، ۱۳۸۵، *فصوص الحکم*، ترجمه و تحلیل محمدعلی و صمد موحد، تهران، کارنامه.
- _____، ۲۰۰۱م، *عنقای مغرب*، تحقیق سعید عبدالفتاح، بیروت، مؤسسه الانتشارات العربی.
- _____، بی‌تا، *الفتوحات المکیه*، بیروت، دار صادر.
- ابوالقاسم‌زاده، مجید، ۱۳۹۹، *مصاحبه با استاد حجت الاسلام و المسلمین ابوالقاسم‌زاده توسط محقق*.
- امینی‌نژاد، علی، ۱۳۹۱، «معرفی و نقد کتاب مبانی و اصول عرفان نظری»، *معارف عقلی*، ش ۳، ص ۱۳-۳۷.
- _____، ۱۳۹۹، *مصاحبه با استاد حجت الاسلام و المسلمین امینی‌نژاد توسط محقق*.
- باقریان موحد، سیدرضا و دیگران، ۱۳۹۵، *فرهنگ آثار عرفانی اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بدیعی، محمد، ۱۳۸۷، «مفسران و شارحان مکتب عرفانی ابن عربی»، *معرفت*، ش ۱۲۸، ص ۸۱-۹۸.
- جزایری، حمید، ۱۳۹۶، *مصاحبه با حجت‌الاسلام سید حمید جزایری* (مدیر تدوین متون حوزه علمیه)، در: ijtihadnet.ir
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲، *درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی*، زیر نظر محمد فنایی، تهران، سمت.
- حسن مرادی، نرگس، ۱۳۸۸، *تحلیل محتوای کتاب درسی*، چ دوم، تهران، آبیژ.
- ذاکری، علی‌اکبر، ۱۳۷۲، «نگرشی به متون آموزشی حوزه»، *حوزه*، دوره دهم، ش ۵۵، ص ۶۸-۸۸.
- فناری، محمدبن حمزه، ۱۳۷۴، *مصباح الانس*، تصحیح محمد خواجوی، تهران، مولی.
- فنایی اشکوری، محمد، ۱۳۹۷، «بررسی اثرات و نقش عرفان تطبیقی، گفتگو درباره عرفان تطبیقی»، *روزنامه فرهیختگان*، ش ۲۵۱۷، ۹۷/۳/۲۸.
- فیاضی، غلامرضا، ۱۳۹۹، *مصاحبه با آیت‌الله فیاضی توسط محقق*.
- قیصری، داوود، ۱۳۷۵، *تشریح فصوص الحکم*، تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، تهران، علمی و فرهنگی.
- کارآمد، حسین، ۱۳۹۰، *در جستجوی راهکارهای تدوین متون درسی*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- گربوانی، مسلم، ۱۳۹۲، «عرفان‌های نوظهور چیستند و چه باید کرد»، در: adyannews.com.
- لیپونکا، مری آلن، ۱۳۸۵، *نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی*، ترجمه زیر نظر فریبرز مجیدی، تهران، سمت.
- معلمی، حسن، ۱۳۹۹، *مصاحبه با استاد حجت الاسلام و المسلمین معلمی توسط محقق*.
- یزدان‌پناه، سیدیدالله، ۱۳۹۱، *مبانی و اصول عرفان نظری*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.